

مدل توانمندسازی زنان در توسعه محلات شهری (مطالعه موردی: محله طرشت کلان شهر تهران)^۱

پریسا بیکی

دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی،
دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

آزیتا رجبی^۲

دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی،
دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ژیلا سجادی

دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶

چکیده

امروزه به تبع گسترش روز افزون شهرنشینی؛ چالش‌ها و مسائل متعددی ظهور پیدا کرده است. بر همین اساس بیش از پیش تمرکز در سطح جهانی به سمت توسعه همه جانبه شهرها، و بهبود وضعیت کشورها سوق پیدا کرده است. از مهم‌ترین رویکردهای توسعه شهری که به دنبال دگرگونی در نظریه‌ها شکل گرفت؛ توجه به خردترین واحد یعنی محله در چارچوب برنامه‌ریزی محله‌ای و توسعه اجتماعات محلات با تأکید بر افزایش کیفیت زندگی و ایجاد بستری مناسب برای شکل‌گیری فضاهای جمعی در جهت آگاهی از نیازها و به دنبال آن هماهنگی در طرح‌های ارائه شده با نیازهای جامعه محلی می‌باشد. زنان به عنوان تأثیرگذارترین گروه‌های اجتماعی، دارای نقش کلیدی و موثری در توسعه کشورها هستند. بر همین اساس پژوهش حاضر به دنبال ارائه مدلی نو در رابطه با توانمندسازی زنان به منظور توسعه محله با کاربرد رویکرد آمیخته (کمی و کیفی) و روش اکتشافی-توصیفی می‌باشد. در همین راستا در ابتدا در قالب پرسشنامه باز اقدام به مصاحبه عمیق با خبرگان امر جهت شناسایی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های تحقیق شد و توسط نرم افزار MAXQDA12 مورد تحلیل قرار گرفت؛ سپس در مرحله بعد نرم افزار Smart PLS جهت تحلیل کمی استفاده گردید. نتایج نشان می‌دهد که توانمندسازی زنان و حضور در جامعه محلی باعث تسریع در امر توسعه محله می‌شود. همچنین عوامل ساختارهای سیاسی و نهادی، حق زنان به شهر، آموزش و آگاهی و درنهایت باورها و نگرش‌های فرهنگی از مهم‌ترین عوامل موثر بر نقش زنان در توسعه محله طرشت می‌باشند.

کلمات کلیدی: توانمندسازی زنان، توسعه محله‌ای، محله طرشت، MAXQDA، Smart-PLS.

۱- مقاله مستخرج از رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری با عنوان ارائه الگوی راهبردی توانمندسازی ساکنان در محلات شهری با تأکید بر زنان (منطقه دو تهران، محله طرشت) به راهنمایی سرکار خانم دکتر آزیتا رجبی و مشاوره سرکار خانم دکتر ژیلایا سجادی

۲- (نویسنده مسئول) azitarajabi@yahoo.com

مقدمه

به تبع گسترش روز افزون شهرنشینی، که پیش بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ بیش از ۶۶ درصد جمعیت جهان در شهرها مستقر می‌شوند، بر پیچیدگی مسائل شهری افزوده شده و چالش‌های متعددی که خود پیامد تحولات جمعیتی، اقتصادی، سیاسی، فن آوران و بین‌المللی می‌باشند نیز ظهور کرده‌اند. از مهم‌ترین رویکردهای توسعه شهری که به دنبال دگرگونی در نظریه‌ها به ویژه در قرن بیستم شکل گرفت؛ توجه به خردترین واحد یعنی محله در چهارچوب برنامه‌ریزی محله‌ای (زنگانه و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶) و توسعه اجتماعات محلات با تأکید بر افزایش کیفیت زندگی و ایجاد بستری مناسب برای شکل‌گیری فضاهای جمعی در جهت شناسایی و آگاهی از نیازها و به دنبال آن هماهنگی در طرح‌های ارائه شده با نیازهای جامعه محلی می‌باشد. در واقع همان طور که جان فریدمن اشاره کرده؛ در برنامه‌ریزی باید سطح خرد بر سطح ملی مقدم باشد (مطهری و رفیعیان، ۱۳۹۵: ۳۹۳). علت این امر آن است که زمانی که در سطح خرد و محلی توسعه را رایج کنیم و زمینه‌ی مشارکت کامل ساکنان، که خود بر توانمندی افراد تأکید دارد، با سرعت بالاتری توسعه و پایداری محقق می‌شود. به دنبال شکل‌گیری مباحث ذکر شده، مفهوم توسعه اجتماع و اجتماع خود اتکا توسط صاحب‌نظران بر جسته از جمله گاندی، فلورا، ساتیزه، هاروی، مارکس، وبر، مارکوزه، هابرماس و غیره نیز مطرح شد. مبنای توسعه اجتماع، توانمندسازی است. توانمندسازی درحوزه شهرها بر توانمند نمودن ساکنان به منظور مشارکت فعالانه در توسعه یک سکونتگاه از طریق خود اتکای اشاره دارد. هدف عمده فرآیند توانمندسازی، ایجاد تغییرات مناسب در کلیه ابعاد و جوانب زندگی افراد، گروه‌ها و اقشارمختلف اجتماعی می‌باشد در واقع می‌توان گفت که یکی از پیش شرط‌های اصلی در شکل‌گیری و تکامل فرآیندهای توسعه پایدار، وجود سیاست‌ها، برنامه‌ها، و مداخلات چند بعدی در جهت توانمندسازی افراد، گروه‌ها و جوامع به منظور مشارکت فعال آنها در تحقق بخشیدن به اهداف بلند و میان مدت توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (مستندات دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۹۷). توانمندسازی برای توسعه و رقابت در عرصه جهانی و از طرفی به منظور بهبود کیفیت زندگی افراد جامعه، ضروری و نیاز به مشارکت تمامی گروه‌ها دارد که در این بین تأکید بر گروه زنان به دلیل اینکه اغلب مورد توجه لازم واقع نمی‌شوند، ضروری می‌باشد. زنان به عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین گروه‌های اجتماعی، که دارای نقش کلیدی در خانواده و تربیت نسل آینده می‌باشند، توانایی‌ها و خلاقیت‌های آنان به درستی شناخته نشده و اغلب در کشورهای مختلف جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه، نادیده انگاشته و به حاشیه رانده شده‌اند و در نتیجه با وجود فرصت‌های بی‌شمار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که شهرها برای حضور زنان فراهم نموده، جایگاه و وضعیت مطلوبی برای فعالیت ندارند. شناخت توانایی‌ها و توانمندسازی زنان با تأکید بر تمامی ابعاد آن از مباحث ضروری توسعه برای هر کشور و جامعه‌ای محسوب می‌شود. بر همین اساس و با درک اهمیت و جایگاه زنان در جامعه، توسعه و رشد همه جانبه، اقدامات اساسی در سطح جهان (چه کشورهای توسعه‌یافته و چه در حال توسعه) برای برداشتن موانع و چالش‌های پیش روی حضور فعال زنان در فعالیت‌های مختلف و ارتقاء جایگاه اجتماعی، بهبود وضعیت اقتصادی و فعالیت‌های سیاسی آنان به علاوه مشارکت

آنان در جهت تحقق توسعه، صورت گرفته است. به عنوان مثال کشور ژاپن طی جلساتی که در سال ۲۰۱۹ بر مبنای برنامه توسعه پایدار سازمان ملل متحد برگزار کرده، اقدام به تشکیل کارگروه‌های اختصاصی در زمینه مشارکت هرچه بیشتر زنان نموده است. با توجه به مباحث بیان شده و هدف پژوهش حاضر، برای دستیابی به محله سالم، سرزنده و پویا، پایدار و توسعه‌یافته نیاز به مشارکت و بهره‌مندی از توانایی‌های همه افراد محله می‌باشد که در این راستا تحرک و حضور فعال زنان می‌تواند نقش موثرتری در دستیابی هرچه سریع‌تر و جامع‌تر به اهداف توسعه محله داشته باشد. در ایران، در زمینه توانمندسازی گروه زنان از سه جنبه، اقتصادی، اجتماعی و روانی در سطح محلات شهری اقدام قابل توجهی صورت نگرفته است در حالی که محلات شهری و برنامه‌ریزی محله محور از مولفه‌های اساسی و مهم در کسب توسعه به ویژه توسعه پایدار می‌باشد که نیروی زنان و پتانسیل‌های بالقوه آنان از عوامل ضروری برای تحقق این امر می‌باشد. محله طرشت از محلات قدیمی کلانشهر تهران که در منطقه دو، ناحیه پنج واقع شده است. در این محله شاهد آن هستیم که هنوز بخش زیادی از آن را بافت فرسوده تشکیل می‌دهد و از همین رو با مشکلات متعددی در زمینه کالبدی، اجتماعی، محیطی و غیره رو به رو می‌باشد. از طرفی با توجه به اینکه جمعیت زنان آن طبق آخرین سرشماری مربوط به سال ۱۳۹۵ برابر با ۲۶۳۷۲ که ۵۱٪ کل جمعیت محله را شامل می‌شود و در حدود بیش از ۱۰۰۰۰ نفر از زنان طبق آمار مربوطه، در زمره ساکنان غیرفعال به شمار می‌آیند. لذا با توجه به موارد ذکر شده و سهم بالای زنان در محله طرشت، در صورت شناخت درست توانایی‌ها و بهره‌مندی از پتانسیل‌های بالقوه آنان می‌توان ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، روانی و به طور کلی کیفیت زندگی خانوارهای ساکن محله را بهبود بخشید و نیز در جهت توسعه و پایداری محله حرکت کرد. بر همین اساس این پژوهش به دنبال ارائه مدلی جدید در زمینه توانمندسازی زنان به منظور توسعه محلات شهری با تأکید بر محله طرشت می‌باشد. روش تحقیق حاضر اکتشافی-توصیفی است و بر مبنای رویکرد آمیخته می‌باشد که دو بخش کیفی و کمی را در برمی‌گیرد. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی، خبرگان در زمینه برنامه‌ریزی شهری، توانمندسازی و زنان، که بر پایه نمونه‌گیری هدفمند ۱۵ نفر انتخاب شدند، و همچنین در بخش کمی شامل جامعه آماری محله طرشت، که با استفاده از نرم افزار Sample power (بر مبنای متغیرهای مکنون و آشکار) نمونه لازم ۳۷۹ نفر تخمین زده شد، را شامل می‌شود. روش نمونه‌گیری در بخش کمی نیز بر مبنای نمونه‌گیری تصادفی ساده است. بر همین اساس، به منظور جمع‌آوری داده‌ها از هر دو روش کتابخانه‌ای و پیمایشی بهره گرفته شده است. در نهایت به منظور تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده؛ در مرحله اول از نرم افزار تحلیل کیفی MAQXDA و سپس به منظور تأیید مدل نهایی، نرم افزار تحلیل کمی Smart-PLS به کار گرفته شد. تاکنون در زمینه تحقیق حاضر، مطالعات متعددی چه در داخل و چه خارج از کشور صورت پذیرفته است که در این بخش خلاصه وار به مشابه‌ترین آن‌ها اشاره خواهد شد.

۱. رضا جهان بین در سال ۱۳۹۷ در رساله‌های تحت عنوان «تحلیل عوامل موثر بر توانمندسازی زنان در سکونت‌گاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی شهر ایلام)» یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد؛ بین تمامی عوامل و متغیرهای مستقل مورد بررسی با توانمندسازی زنان رابطه معناداری برقرار است. از بین متغیرهای مستقل، متغیر

آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی بیشترین تأثیر را بر متغیر توانمندسازی زنان دارد و پس از آن عوامل اقتصادی، عوامل محیطی-کالبدی و در آخر کلیشه‌های جنسیتی با در تبیین متغیر توانمندسازی زنان تأثیر داشته است.

۲. سمیه شالچی و امین مومیوند در سال ۱۳۹۶ در مقاله‌ای تحت عنوان «سرمایه اجتماعی زنان و توسعه شهری در همدان» نگارندگان این پژوهش کار خود را با فرضیه اصلی ارتباط سرمایه اجتماعی و میزان توسعه‌یافتگی شهرها، آغاز نمودند. در واقع این پژوهش باهدف بررسی سنجش میزان سرمایه اجتماعی زنان و ارتباط آن با سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان همدان، انجام پذیرفته است. نتایج پژوهش نشانگر همبستگی معنادار و مثبت سرمایه اجتماعی زنان و توسعه شهری است.

۳. حسین رضا و یاسمین در سال ۲۰۱۹ در مقاله‌ای تحت عنوان «توانمندسازی زنان: توانمندسازی بنگلادش» ابعاد پویایی، تصمیم‌گیری، کنترل بر منابع، خودباوری و عوامل موثر بر توانمندی زنان را در قالب وضعیت اجتماعی، اقتصادی، دسترسی به رسانه، وضعیت جمعیتی مطرح نمودند. در نهایت این نتیجه گرفته شد که به منظور دستیابی به توانمندی زنان و توسعه پایدار بنگلادش، ارتقای مهارت‌های زنان، آموزش، فرصت‌های اقتصادی، خود باوری زنان بایستی تقویت شود.

۴. کوری اوهارا و فلورین کلمنت در سال ۲۰۱۸ در مقاله‌ای تحت عنوان «توانمندسازی زنان در بخش توسعه» از روش‌های استاندارد اندازه‌گیری توانمندسازی استفاده کرده‌اند و در نهایت به این نتیجه رسیدند که عامل مشارکت در تصمیم‌گیری و تغییر و تحول ساختار و چارچوب‌های اساسی نقش تعیین کننده‌ای در راستای توانمندسازی و دستیابی به توسعه شهری دارد.

۵. میدما و دیگران در سال ۲۰۱۸ در مقاله‌ای تحت عنوان «توانمندسازی زنان در شرق آفریقا» مدلی سه بعدی بر پایه سه بعد اجتماعی، نگرشی و تصمیم‌گیری ارائه دادند و تأکید بر دستیابی به توانمندسازی دختران و زنان تنها در قالب این مدل داشتند.

با توجه به مرور و بررسی پژوهش‌های پیشین، مشخص گردید که اکثر پژوهش‌های داخلی و خارجی در زمینه بحث‌های توانمندسازی زنان و توسعه بیشتر با نگاه اقتصادی، اجتماعی و تمرکز برجسته نیز بر بُعد مشارکتی با شاخص‌های محدود و بعضاً تکراری بوده است. بر همین اساس و با وجود چالش‌های موجود در کشور و محدوده مورد مطالعه، لزوم پژوهش علمی که در زمینه حاضر فراتر رفته و به کشف جنبه‌های جدیدی به ویژه در ابعاد و مولفه‌های توانمندسازی زنان در راستای توسعه و به منظور ارائه مدلی مطابق با واقعیت‌های جامعه شهری، ضروری می‌باشد. در نتیجه، پژوهش حاضر در این راستا قدم برداشته است که نقطه تمایز آن نسبت به پژوهش‌های پیشین است.

مبانی نظری

توانمندسازی جامعه، یک فرآیند پویا و فراگیر است (Cavaliere & Almeida, 2018:174). هدف عمده فرآیند توانمندسازی، ایجاد تغییرات مناسب در کلیه ابعاد و جوانب زندگی افراد، خانواده‌ها، گروه‌ها و اقشار اجتماعی می‌-

باشد. در واقع می‌توان گفت که یکی از پیش شرط‌های محوری در شکل‌گیری و تکامل فرآیندهای توسعه پایدار، وجود سیاست‌ها، برنامه‌ها، و مداخلات چند بعدی در جهت توانمندسازی افراد، گروه‌ها و جوامع به منظور مشارکت فعال آنها در تحقق بخشیدن به اهداف دراز مدت و میان مدت توسعه همه‌جانبه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (Sell & Minot, 2018: 46). در تفکر شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری، توانمندسازی امر نسبتاً جدیدی است که برآمده از برنامه‌ریزی پست مدرنیسم^۱ است که مبتنی بر مشارکت، عمل‌گرایی و عدم تمرکز در برنامه‌ریزی است. لذا توانمندسازی برای شهروندان و شهر در تفکر برنامه‌ریزی پست مدرن توصیه می‌شود (Walters, 2007: 79). مطابق مطالعاتی که اخیراً صورت گرفته؛ دستیابی به توسعه به ویژه توسعه پایدار تنها و در صورت مشارکت فعال زنان امکان پذیر می‌باشد. توانمندسازی زنان فرآیندی است که طی آن زنان از نیازها و خواست‌های خود آگاه می‌شوند و جرات دستیابی به هدف را در خود از طریق خود باوری و اعتماد به نفس، تقویت می‌کنند و از توانایی لازم برای عملی ساختن آنها برخوردار می‌شوند (موسوی و روانخواه، ۱۳۹۵: ۷۳). توانمندسازی زنان در مرکز گفتمان توسعه به عنوان یکی از هشت اهداف توسعه هزاره اعلام شده است (O'Hara & Clement, 2018: 118). اصول توانمندسازی زنان با پنج اصل ساختن اقتصاد قوی، ایجاد جوامع باثباتر و عادلانه‌تر، دستیابی به اهداف جهانی توسعه، پایداری و حقوق بشر، بهبود کیفیت زندگی برای زنان، خانواده‌ها و جوامع و کمک به اهداف و عملکرد تجارت، اصول تعیین شده این بیانیه هستند که توسط نهاد زنان ملل متحد و برنامه جهانی سازمان ملل تدوین شده است. در جدیدترین اقدامات برای توانمندسازی زنان می‌توان به اهداف توسعه پایدار سال ۲۰۳۰ اشاره که بخش جداگانه‌ای به طور کامل به مبحث دستیابی به برابری جنسیتی و توانمندسازی تمامی زنان و دختران اشاره شده است. از مهم‌ترین اهداف این طرح، پایان هرگونه خشونت و محدودیت نسبت به زنان؛ ازدواج اجباری و زودهنگام؛ مشارکت کامل و فرصت‌های برابر برای زنان؛ حق برابر اقتصادی، اجتماعی، دسترسی به منابع، منابع طبیعی و غیره؛ توانمندی در زمینه استفاده از تکنولوژی‌ها و ارتباطات؛ تقویت سیاست‌های حمایتی و دسترسی آسان به حمل و نقل و خدمات گوناگون و در نهایت برابری جنسیتی و توانمندی تمامی زنان؛ می‌باشند (United Nation, 2019).

جدول ۱ - معیارهای توانمندسازی زنان با اقتباس از صاحب نظران

نظریه پرداز	معیارها
لیندا مایوکس	اقتصادی (کاهش فقر، خودکفایی مالی، جنسیتی)
سازا لانگه	رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت، کنترل
اگبومه	دسترسی به منابع و کنترل بر زندگی خود

منبع: (نگارندگان، ۱۳۹۷)

اخیراً در جغرافیای فمینیستی، مفهوم حق به شهر با توجه به نیازهای زنان و نقش موثری که آنان می‌توانند در توسعه شهری ایفا کنند؛ مورد توجه قرار گرفته است. عبارت "حق به شهر"^۲ برای اولین بار توسط جامعه‌شناس فرانسوی، هنری لُهِ فور^۳ در ۱۹۶۸ و در قالب کتاب او حق به شهر به کار گرفته شد حق به شهر در نزد لُهِ فور شامل دو

¹ Post Modernism Planning

² The right to the city

³ Henry Lefebvre

حق اساسی برای ساکنان شهر است: حق مشارکت (participation) و حق تصاحب یا تخصیص (appropriation). تووی فنستر (۲۰۰۵) به دنبال مطالعاتی که در دو شهر لندن و اورشلیم در ارتباط با زنان انجام داد، این گونه ادعا می‌کند که، برای دستیابی به حق به شهر در جهت توسعه، ادغام زنان در فضاهای عمومی ضروری است. و اشاره می‌کند ترس و عدم امنیت موجود در اغلب شهرها، فرصت استفاده از حق به شهر را از زنان سلب می‌کند (Fenster, 2005: 220). شلی باکینگهام، بیان داشته است حق جمعی زنان نسبت به شهر به شکل روزمره و از طریق تجربیات آنان و مقابله با شهر نقض می‌شود. او به این نکته اشاره می‌کند که چون فضا یک برساخته اجتماعی است، مانند دیگر مفاهیم اجتماعی ساختاری خنثی ندارد و در واقع جنسیتی است و به همین ترتیب حق زنان نسبت به این فضا نیز ماهیتی جنسیتی داشته و متمایز از حق مردان است. باکینگهام درصدد آن است که به "حق به شهر"، بُعدی جنسیتی ببخشد و به همین خاطر پیشنهاد می‌کند که مفهوم جنسیت در قالب پنج حیطه از حق نسبت به شهر مورد توجه قرار گیرد: ۱. امنیت در محیط‌های شهری؛ ۲. زیر ساخت‌ها و حمل و نقل عمومی؛ ۳. نزدیکی میان محل زندگی، خدمات و کار؛ ۴. شکستن ثنویت^۱ میان حیطه‌های عمومی و خصوصی؛ ۵. مشارکت در تصمیم‌گیری، حکمرانی و برنامه‌ریزی (Buckingham, 2010). لذا برای دستیابی هر چه بیشتر به توسعه پایدار شهری؛ تأکید و تمرکز بر بُعد جنسیتی حق به شهر ضروری می‌باشد.

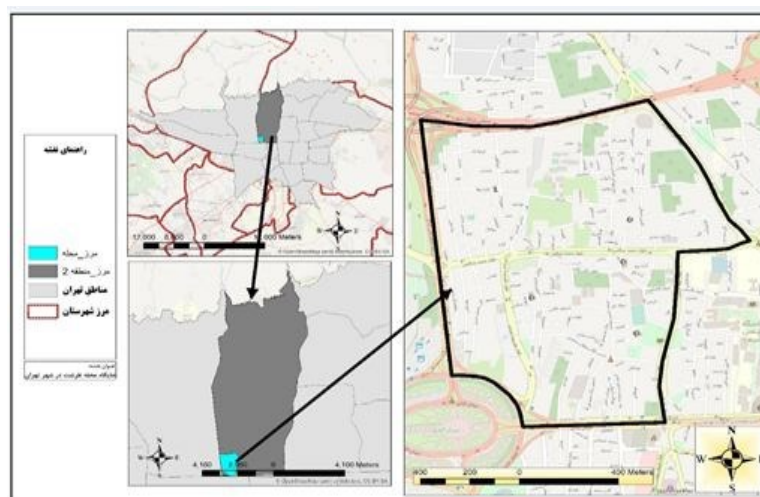
برنامه‌ریزی محله‌ای به طور فزاینده‌ای به عنوان ابزاری برای افزایش پایداری محلی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، مطرح و گسترش یافته است (Zhang et al, 2018: 3). مفاهیمی چون برنامه ریزی از پایین، مشارکت جمعی و فراگیر، حق انتخاب فزونتر برای ساکنین محلی، عدالت اجتماعی، ایجاد فرصت‌های برابر همراه با کارایی بیشتر، توزیع عادلانه امکانات و مواهب توسعه و نیز رفاه مردم (نه صرفاً آبادی مکان) تنها در سایه‌ی مفهوم «توسعه‌ی محله‌ای» و برنامه‌ریزی محلات شهری عینیت می‌یابند (فلاحی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۳). آنچه در توسعه محله‌ای اتفاق می‌افتد، استفاده و اتکای حداکثری به منابع، توان‌ها، ارزش‌ها، مشارکت درون محله‌ای است. بنابراین آنچه در رویکرد توسعه‌ی محله‌ای هدف غائی به شمار می‌رود، مردم و تأمین نیازهای اولیه و اساسی آنان با توجه به محیط زندگی آنها است. این هدف جز از طریق ارج نهادن به جایگاه مشارکت جمعی در قالبی نظام یافته میسر نیست. از آنجا که محلات شهری، کوچکترین واحد سازمان فضایی در تقسیمات نظام فضایی شهر محسوب می‌شوند بنابراین اجتماعات محلی در شهرها، بهترین کانون و کارگاه مدیریت و برنامه‌ریزی مشارکت بوده و بیشترین انسجام اجتماعی و مکانی را در بین سایر رده‌های سازمان فضایی شهر دارا هستند (فنی و صارمی، ۱۳۹۲: ۳۷).

بر مبنای مطالب بیان شده که مطابق با دیدگاه‌های صاحب‌نظران امر بوده، می‌توان گفت در حال حاضر، حرکت در راستای توسعه، پایداری و به طور کلی توسعه شهری و به طور اخص توسعه محلات شهری تنها در سایه حضور فعال اجتماعات محلی به ویژه گروه زنان از طریق توانمندسازی محقق می‌شود که در این میان مفهوم حق به شهر زنان می‌تواند به عنوان

تئوری راهنما عمل کند تا میانبری برای تسریع در نائل شدن به اهداف توسعه و پایداری برای هر شهر و محله و در سطح وسیع تر کشور باشد. بنابراین ارتقاء توانمندی زنان به واسطه تقویت معیارهای حق به شهر زنان نقش کلیدی دارد و می تواند تعادل و پایداری که مدنظر توسعه برای هر جامعه شهری است را رقم بزند. لذا در این پژوهش برای مهم تمرکز شده است.

محدوده مورد مطالعه

محله طرشت یکی از محله‌های قدیمی و به نام شهر تهران می‌باشد که در طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۳۴ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۷۰ دقیقه شمالی و ارتفاع حدودی ۱۱۹۵ متر از سطح دریا در جنوب غربی ناحیه ۵ منطقه ۲ شهرداری تهران و در مجاورت مناطق ۵ و ۹ واقع شده است. «طرشت» یا «درشت»، محله‌ای قدیمی در محدوده غرب و جنوب غرب تهران، جمعیت کل منطقه و زنان طبق آخرین سرشماری مربوط به سال ۱۳۹۵ به ترتیب برابر با، ۵۱۷۵۱ و ۲۶۳۷۲ می‌باشد که جمعیت زنان نسبت به سال ۱۳۹۰ (۱۱۱۳۴) حدود ۲/۳۹ برابر افزایش یافته و در حال حاضر ۵۱ درصد کل جمعیت را شامل می‌شود.



نقشه ۱- موقعیت جغرافیایی محله طرشت در منطقه دو تهران (نگارندگان، ۱۳۹۷)

محدوده طرشت از الگوی ارگانیک که قبل از سال ۱۳۰۰ شکل گرفته تبعیت می‌کند. ترکیب باغ مسکونی، یا خانه روستایی، شکل اصلی این الگو را تشکیل می‌دهد. این محله دارای بافت گسسته می‌باشد. با توجه به کمبود فضای سبز سامان یافته در نیمه جنوبی منطقه و همچنین میل گسترده‌ای از سوی دانشگاه صنعتی شریف و فرسودگی ابنیه و لزوم بازسازی آنها مجموعه باغ‌های طرشت فرصت مناسبی جهت ایفای کارکردهای نوین با نقش منطقه‌ای و فرماندهی‌ای است در زمینه کاربری اراضی محله طرشت با توجه به مستندات و مدارک موجود و دسترس (بر مبنای گزارشات سرای محله و شهرداری منطقه)، بیشترین کاربری با مساحت ۱۱۴۸۴۸۹ متعلق به مسکونی می‌باشد و سایر کاربری‌ها سهم قابل توجهی ندارند از جمله امکانات ورزشی، تجاری، تأسیسات و تجهیزات، فضای سبز و غیره (شهرداری منطقه ۲ و سرای محله طرشت، ۱۳۹۷). براساس مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، در بازه زمانی ده ساله ۱۳۸۵-۱۳۹۵ جمعیت محله با روند رو به رشدی رو به رو بوده و از ۱۵۰۲۸ به ۵۱۷۷۸ رسیده است. همچنین نسبت جنسیتی محله فوق در بازه زمانی ۱۰ سال (۱۳۸۵-۱۳۹۵) از رقم ۱۰۱/۳۹ به ۹۶/۳۴ رسیده است که نشان‌دهنده

کاهش نسبت جنسیتی مرد به زن در سال ۱۳۹۵ می‌باشد و در واقع نسبت زنان به مردان بیشتر شده است. بر همین اساس و با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته در محدوده مورد مطالعه، به وضوح روشن شد که محله طرشت به لحاظ توسعه‌یافتگی مطابق با واقعیت جامعه حال حاضر خود با چالش‌های اساسی رو به رو است.

یافته‌های تحقیق

بخش کیفی

رویکرد پژوهش حاضر آمیخته می‌باشد. بر همین مبنا در ابتدا به بخش کیفی می‌پردازیم. همانطور که اشاره شد در بخش کیفی جامعه آماری، خبرگان برنامه‌ریزی شهری، توانمند سازی و حوزه زنان می‌باشند که پس از نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۱۵ خبره انتخاب شدند. از لحاظ ترکیب جنسیتی، ۵۳٪ آقا و ۴۷٪ خانم؛ از لحاظ ترکیب وضعیت سنی، ۱۳/۳۳٪ بین ۳۰ تا ۳۵ سال، ۳۳/۳۳٪ ۳۵ تا ۴۰ سال، ۲۶/۶۷٪ ۴۰ تا ۴۵ سال و در نهایت ۲۶/۶۷٪ بالای ۴۵ سال؛ و در زمینه وضعیت تحصیلات ۹۳/۳۳٪ از خبرگان دارای تحصیلات دکتری و ۶٪ فوق لیسانس می‌باشند.

مصاحبه‌ها پس از جمع آوری در نرم افزار تحلیل متن MAXQDA پیاده سازی شدند. در جریان تحلیل داده‌ها در نرم افزار ذکر شده، ۶۱ کد اولیه از مصاحبه‌های صورت گرفته با خبرگان استخراج شده و اهمیت کدهای اولیه براساس فرمول شانون گزارش شده است. کدهای اولیه استخراج شده همان شاخص‌ها و یا سوالات تشکیل دهنده پرسشنامه پژوهش می‌باشند. در واقع نرم افزار MAXQDA12 ماتریسی ارائه می‌دهد که در آن مساحت هر مربع، فرمول شانون می‌باشد که ضریب اهمیت هر کد را بر مبنای فراوانی بیان می‌کند بر همین اساس و به منظور واضح بودن اهمیت هر کد، ضریب اهمیت براساس فراوانی در قالب اعداد محاسبه شده توسط نرم افزار در جدول آورده شده است. در بین ۶۱ کد استخراج شده کدهای حق بهره‌مندی زنان از فضای محله، حق مشارکت زنان در فضای محله، تعریف جایگاه و نقش زنان، قوانین حمایتی از حقوق زنان، دسترسی به فرصت‌های مادی و معنوی، حمایت از مشاغل خانگی، ارتقای سرمایه اجتماعی، نورپردازی و روشنایی، مشارکت در مدیریت و امور محله دارای بیشترین فراوانی و اهمیت از نظر خبرگان می‌باشند.

جدول ۲- اهمیت کدهای اولیه استخراج شده براساس فرمول شانون

کد اولیه	مجموع فراوانی‌ها	کد اولیه	مجموع فراوانی‌ها
کدهای اولیه توسعه محله			
شبکه معابر	۴۵	حس مکان	۳۰
پیاده روها	۴۸	میزان تمایز محله	۳۵
حمل و نقل	۵۰	تعاملات	۴۶
تنوع کاربری‌ها	۶۰	شادی و آسایش روانی	۴۸
بومی‌سازی	۶۵	میزان فضای سبز و پارک‌ها	۵۰
طراحی و سیمای محله	۵۰	دسترسی آسان به فضای سبز و پارک‌ها	۵۰
نورپردازی و روشنایی	۷۰	آلودگی‌های زیست محیطی	۴۶
مشارکت در مدیریت و امور محله	۸۰	سیستم جمع آوری زباله	۵۲
بسیج در زمان بحران	۷۵	حمایت مردمی	۵۵
میزان سرقت	۴۰	میزان خودکفایی محله	۵۸
میزان حضور معادین	۴۲	میزان تنوع مشاغل	۴۰
میزان نظارت	۴۶	تعاملات تجاری	۳۵
ارتقای سرمایه اجتماعی	۸۰	صندوق اعتبارات	۲۸
حمایت مادی و معنوی	۵۲	کمک‌های مردمی	۳۰

بهره‌مندی از فضاهای محله	۳۶	کدهای اولیه زنان	کدهای اولیه عوامل موثر بر زنان در توسعه محله
میزان حضور در جامعه	۷۵	استقلال زنان	۶۵
پذیرش از طرف جامعه	۷۰	حضور و مشارکت زنان در جامعه	۷۰
میزان تعامل با جامعه	۷۸	قوانین حمایتی از حقوق زنان	۸۰
حس تعلق زنان به محله	۵۲	تعریف جایگاه و نقش زنان	۷۴
حس تعلق زنان به جامعه محلی	۵۸	حق مشارکت زنان در فضای محله	۸۲
حضور و فعالیت در محله	۵۴	حق بهره‌مندی زنان از فضای محله	۸۰
حمایت مادی و معنوی از زنان	۶۵	سطح تحصیلات زنان	۳۰
حمایت از مشاغل خانگی	۷۰	مهارت‌های تخصصی زنان	۶۵
فرصت‌های برابر شغلی	۶۴	آگاه سازی	۶۰
افزایش درآمد زنان	۵۸		
دسترسی به خدمات	۶۶		
دسترسی به فرصت‌های مادی و معنوی	۷۰		
دسترسی به منابع	۶۰		
ارتقای نظارت بر محله	۶۵		
ارتقای حس مسئولیت نسبت به زنان	۵۲		
روشنایی	۵۵		
تصمیم‌گیری در امور محله	۷۵		
مشارکت در فعالیت‌ها	۸۰		
ارتقای حس ارزش درونی	۵۸		
ارتقای حس موثر بودن در جامعه	۶۵		
ارتقای حس توانایی	۷۰		
ایجاد انگیزه در زنان	۶۰		
مهارت‌های تخصصی	۶۴		
ارتقای آگاهی زنان	۶۶		

منبع: (نویسندگان، ۱۳۹۸)

پس از آن اقدام به مقوله‌بندی کدهای اولیه شد که در ابتدا مقولات فرعی (مولفه‌ها) و سپس مقولات اصلی (ابعاد) شناسایی شدند. ۲۱ مقوله فرعی شناسایی شده که در این بین همبستگی، امنیت، اقتصاد محلی و نهادهای محلی مربوط به متغیر توسعه محله؛ حق امنیت، حق تصمیم‌گیری، حق اشتغال و تعامل و حضور در جامعه مربوط به متغیر زنان دارای بیشترین فراوانی و اهمیت از نظر خبرگان می‌باشند.

جدول ۳- اهمیت مقولات فرعی (مولفه‌ها) استخراج شده براساس فرمول شانون

مجموع فراوانی مقولات فرعی (مولفه‌ها)	مجموع فراوانی مقولات فرعی (مولفه‌ها)	مجموع فراوانی مقولات فرعی (مولفه‌ها)	مجموع فراوانی مقولات فرعی (مولفه‌ها)
عزت نفس	۵۲	عزت نفس	۶۰
آموزش و آگاهی	۶۰	دسترسی	۶۵
حق دسترسی	۶۵	کاربری	۶۰
حق امنیت	۷۵	جذابیت بصری	۶۰
حق اشتغال	۷۳	همبستگی	۷۵
حق تصمیم‌گیری	۷۵	امنیت	۷۳
هویت و تعلق اجتماعی	۷۰	امنیت	۷۳
تعامل و حضور در جامعه	۷۴	نهادهای محلی	۷۰
نهادهای مدنی	۶۷	هویت	۵۵
درآمد	۶۰	سرزندگی	۷۰
فضای سبز	۶۲	اقتصاد محلی	۷۵
آلودگی‌ها	۶۶	درآمد	۶۰

منبع: (نویسندگان، ۱۳۹۸)

هفت مقوله اصلی (ابعاد) مشخص گردید که عبارت هستند از، اجتماعی، کالبدی، اقتصادی و زیست محیطی از متغیر توسعه محله؛ و حقوقی، فردی و اجتماعی از متغیر زنان که در این بین مقوله حقوقی بیشترین فراوانی و اهمیت را از دیدگاه خبرگان کسب نمود.

جدول ۴ - اهمیت مقولات اصلی (ابعاد) استخراج شده براساس فرمول شانون

مقولات اصلی	فراوانی	مقولات اصلی	فراوانی
کالبدی	۷۴	مقولات اصلی زنان	۶۵
اجتماعی	۷۵	فردی	۶۵
اقتصادی	۶۰	حقوقی	۸۵
زیست محیطی	۶۵	اجتماعی	۷۵

منبع: (نویسندگان، ۱۳۹۸)

در نهایت رابطه‌ی بین کدها مورد تحلیل آماری قرار گرفته و براساس مقدار p-value و میزان همبستگی که طبق استاندارد کسپل در سال ۲۰۰۲ (Godau,2004) مقادیر بالای ۰/۷۵ نشان از رابطه قوی می‌باشد. با توجه به مقادیر p-value و ضریب همبستگی برای روابط بین کدها، تمامی روابط در سطح اطمینان ۹۹ درصد پذیرفته شده و تمامی روابط با توجه به مقدار کسپل، در دسته قوی قرار می‌گیرند.

جدول ۵ - تحلیل آماری رابطه بین کدها

رابطه بین کدها	p-value	میزان ضریب همبستگی
زنان توسعه محله	۰/۰۰	۰/۹۰
باورها و نگرش‌های فرهنگی زنان	۰/۰۰	۰/۹۹
حق زنان به شهر زنان	۰/۰۰	۰/۹۶
ساختارهای سیاسی و نهادی زنان	۰/۰۰	۰/۹۹
آموزش و آگاهی زنان	۰/۰۰	۰/۹۶

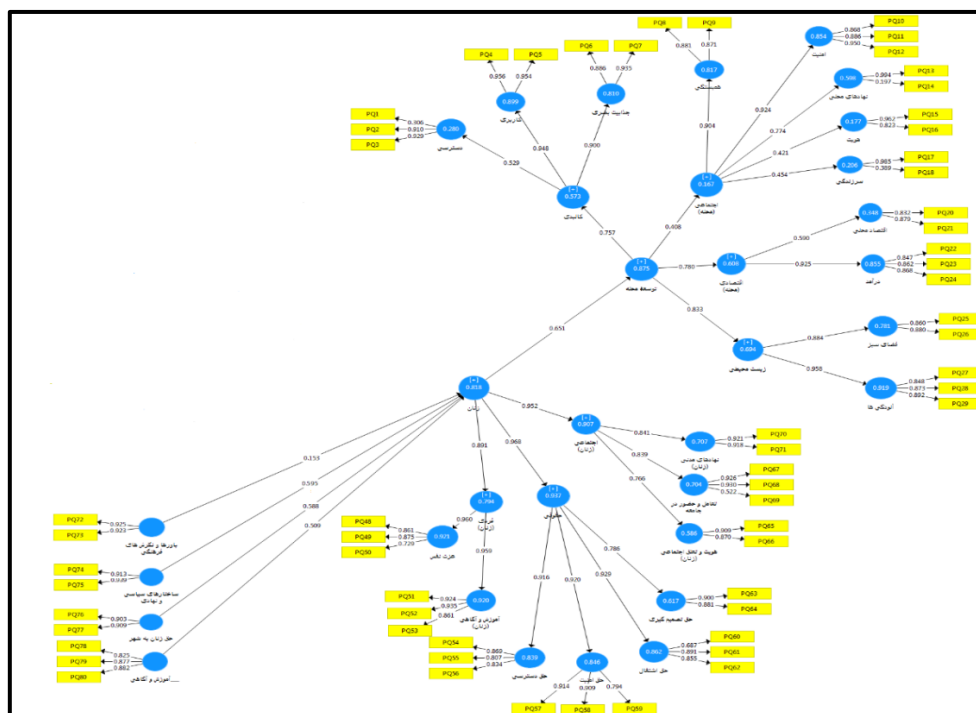
منبع: (نویسندگان، ۱۳۹۸)

بر مبنای تحلیل کیفی نظرات خبرگان و تحلیل هم پوشانی صورت گرفته در این مرحله می‌توان برپایه‌ی یافته‌های تحلیل کیفی پژوهش؛ فرضیه‌های زیر را ارائه داد:

فرضیه H₁: زنان نقش موثری در توسعه محله دارد؛ فرضیه H₂: باورها و نگرش‌های فرهنگی بر نقش زنان در توسعه محله موثر می‌باشند؛ فرضیه H₃: ساختارهای سیاسی و نهادی بر نقش زنان در توسعه محله موثر می‌باشند؛ فرضیه H₄: حق زنان به شهر بر نقش زنان در توسعه محله موثر می‌باشد و فرضیه H₅: آموزش و آگاهی بر نقش زنان در توسعه محله موثر می‌باشند.

بخش کمی

پس از تحلیل‌های صورت گرفته در بخش کیفی و شناسایی شاخص‌ها، مولفه‌ها و ابعاد طبق نظرات خبرگان، که به تفصیل تشریح شد، حال نوبت به بخش کمی کار جهت تأیید و ارائه مدل نهایی می‌رسد. همان‌طور که اشاره شد در این بخش، جامعه آماری هدف شامل زنان محله طرشت می‌باشد که نهایتاً پس از نمونه‌گیری ۳۷۹ نفر مشخص شدند. در این بخش پس از ورود متغیرهای مکنون و آشکار در نرم افزار مربوطه، مدل بیرونی در حالت تخمین ضرایب استاندارد مورد تحلیل قرار گرفت.



شکل ۱- مدل بیرونی انعکاسی در حالت تخمین ضرایب استاندارد

آزمون معناداری فرضیه‌ها

در این بخش به منظور آزمون معناداری فرضیه‌هایی که با استفاده از تحلیل کیفی داده‌ها کشف شدند، سه مورد ضریب مسیر یا β ، Tvalue و Sig باید بررسی شوند که ضریب مسیر شدت و جهت را نشان داده و Tvalue باید در بازه $-1/96$ و $1/96$ و مقدار Sig باید کوچکتر از $0/05$ یا $0/01$ باشد در این صورت می‌توان گفت در سطح اطمینان 95% یا 99% فرض H_0 رد و H_1 معنادار می‌باشد. یعنی پیش‌بینی می‌شود در یک نمونه بزرگتر از همان جامعه رابطه علی تأیید شود.

جدول ۶- آزمون معناداری فرضیه‌ها

فرضیه‌های تحقیق	ضریب مسیر β	T-value	Sig	نتیجه
H_1	$0/751$	$3/475$	$0/001$	معنادار
H_2	$0/153$	$2/985$	$0/003$	معنادار
H_3	$0/595$	$8/555$	$0/001$	معنادار
H_4	$0/588$	$7/285$	$0/001$	معنادار
H_5	$0/509$	$5/705$	$0/000$	معنادار

منبع: (نویسندگان، ۱۳۹۸)

بر مبنای نتایج به دست آمده از آزمون معناداری فرضیه‌ها که در جدول (۶) مشاهده می‌گردد، تمامی فرضیه‌ها با توجه به مقدار t-value که خارج از بازه $1/96$ و $-1/96$ و یا مقدار Sig کم تر از $0/01$ در سطح اطمینان 99% معنادار می‌باشند. همچنین بر مبنای نتایج شکل (۱) و جدول (۶)، عامل‌های ساختارهای سیاسی و نهادی و حق به شهر زنان به ترتیب با ضریب مسیر $0/595$ و $0/588$ بیشترین اثر را در تحقق و عملی شدن توانمندسازی زنان در توسعه محله دارا می‌باشند.

برازش مدل (معیار GOF)

برای بررسی برازش مدل، که دلالت بر میزان تطابق مدل با جامعه دارد و هر دو بخش مدل اندازه‌گیری (سوالات) و ساختاری (متغیرها) را کنترل می‌کند، معیار GOF به ترتیب زیر محاسبه می‌شود:

$$GOF = \sqrt{(communality) \times (R\ square)}$$

GOF معیار محاسباتی از مجذور میانگین R^2 در AVE می‌باشد که برازش کلی ساختار مدل تحلیل مسیر را تأیید می‌نماید. وتزلس و همکاران^۱ (2009) سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی معرفی کرده‌اند. توسط این معیار می‌توان برازش بخش کلی را کنترل نمود. مطابق با محاسبات پیشین مقدار R^2 برابر است با ۰/۶۶۵ و میانگین مقادیر اشتراکی برابر است با ۰/۶۸۵ در نتیجه مطابق با فرمول مقدار GOF برابر است با ۰/۶۷۴ بنابراین چون مقدار به دست آمده برای GOF از ۰/۳۶ بزرگتر است، نشان از برازش قوی مدل کلی دارد.

نتیجه‌گیری و دستاوردهای علمی و پژوهشی

با توجه به دیدگاه صاحب‌نظران امر و تحقیقاتی که در حوزه‌های توانمندسازی و توسعه محله‌ای صورت گرفته، روشن است که با توجه به شرایط کنونی حاضر، یکی از عوامل اساسی در توسعه محلات شهری، نمود و تحقق توانمندسازی زنان می‌باشد. در این راستا تئوری حق به شهر که توسط هنری له فور مطرح گردید و سایر نظریه پردازان آن را بسط دادند به طوری که برای گروه زنان نیز معیارهای ویژه‌ای را در نظر گرفته، می‌تواند به عنوان تئوری هدایت‌گری برای کلان شهرها عمل کند. بر همین اساس دیده می‌شود که اکثر کشورهای توسعه‌یافته تمرکز بر پیاده سازی توانمندسازی به واسطه حق به شهر را دارند زیرا معتقد هستند حق به شهر میان بری برای تحقق توانمندسازی گروه زنان است و راهی برای نائل شدن به اهداف توسعه و پایداری است، مبحثی که کشورهای توسعه‌یافته به ویژه پس از قرن‌های ۱۸ و ۱۹ بر آن تأکید ویژه دارند. از همین جهت می‌توان پی به تفاوت اساسی دیدگاه‌های حاکم بر ایران و شهرهای بزرگ به ویژه کلان شهر تهران برد. به طوری که در برنامه‌ریزی‌های شهری و توسعه محله‌ای کمتر اثری از توانمندسازی بر پایه حق به شهر دیده می‌شود و قشر زنان نیز عملاً جایگاهی ندارند. در پژوهش حاضر، که هدف اصلی آن ارائه مدل توانمندسازی زنان در توسعه محلات شهری بوده است، سعی شد تا برمبنای تئوری هدایتگر حق به شهر و از طریق رویکرد آمیخته و بهره‌گیری از هر دو روش اکتشافی و توصیفی، فراتر از پژوهش‌های پیشین و معیارهای موجود در زمینه توانمندسازی گام برداشته شود تا بدین واسطه علاوه بر دستیابی به جنبه‌های جدید زمینه مطالعاتی حاضر، مدلی موثر و کارآمد ارائه شود. بر همین اساس در بخش کیفی از طریق پرسشنامه باز و مصاحبه عمیق با خبرگان امر و سپس تحلیل دیدگاه‌های آنان با استفاده از نرم افزار کیفی مکس کیو دی ای، ۶۱ کد اولیه ۲۱ مقوله فرعی (مولفه) و ۷ مقوله اصلی (ابعاد) تشکیل گردید که به تفصیل در جداول ۲ تا ۴ آورده شد و در نهایت پس از تحلیل هم پوشانی مابین سازه‌ها یا کدهای اصلی، پنج فرضیه تشکیل گردید. لازم به ذکر است مورد قابل توجه در بین نتایج بخش کیفی استخراج کد حقوقی (حق دسترسی، حق امنیت،

¹ Wetzels & et al

حق اشتغال، حق تصمیم‌گیری) برای متغیر زنان است که بر مبنای تئوری هدایت‌گر تحقیق و نظرات خبرگان صورت پذیرفت. سپس به منظور تأیید مدل نهایی در نرم افزار کمی Smart-PLS، پرسشنامه در قالب ۶۱ گویه در بین زنان محلی طرشت توزیع گردید و از این طریق اقدام به جمع آوری اطلاعات در بخش کمی شد. طبق نتایج به دست آمده و مطابق با شکل (۱) و جدول (۶) اثر توانمندسازی زنان بر توسعه محله تأیید گردید. در همین راستا بر مبنای شکل (۱) و مدل خروجی نرم افزار، در بین ابعاد توانمندسازی زنان، به ترتیب سه بُعد حقوقی، اجتماعی و فردی با ضرایب مسیر ۰/۹۶۸، ۰/۹۵۲ و ۰/۸۹۱ به منظور توسعه محله با اهمیت هستند. همچنین بر اساس نتایج جدول (۶) و شکل (۱)، عامل‌های ساختارهای سیاسی و نهادی و حق به شهر زنان به ترتیب با ضرایب مسیر ۰/۵۸۸ و ۰/۵۹۵ بیشترین اثر را در تحقق و عملی شدن توانمندسازی زنان در توسعه محله ایفا می‌کنند. بنابراین نکته حائز اهمیت پژوهش حاضر که آن را نسبت به تحقیقات پیشین به خصوص شالچی و مومیوند (۱۳۹۶)، حسین رضا و یاسمین (۲۰۱۹) و اوهارا و کلمنت (۲۰۱۸) متمایز می‌کند، تمرکز ویژه بر تئوری هدایت‌گر حق به شهر هنری له فور و استخراج دو کد جدید حقوقی و کد فردی برای توانمندی زنان به منظور توسعه محله و همچنین عامل حق زنان به شهر در تقویت هرچه بیشتر توانمندسازی زنان در توسعه محله می‌باشد. بر همین اساس، پیشنهاد می‌شود تا سازمان‌های متولی امر توسعه شهری و محلات شهری ضمن ایجاد مدیریت یکپارچه مابین خود، با تمرکز بر حق به شهر زنان؛ به تنظیم چارچوب و قوانین مشخص و موثر برای حضور هرچه بیشتر زنان در فضا داشته باشند.

منابع

- جهان بین، رضا (۱۳۹۷) تحلیل عوامل موثر بر توانمندسازی زنان در سکونت‌گاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: شهر ایلام)، پایان نامه دکترای تخصصی رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز.
- زنگانه، احمد؛ پریزادی، طاهر؛ و ساکی، معصوم (۱۳۹۶) توسعه محله محور بخش مرکزی شهر بروجرد، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال هفدهم، ش ۴۵: ۱۶۵-۱۸۳.
- شالچی، سمیه؛ و مومیوند، امین (۱۳۹۶) سرمایه اجتماعی زنان و توسعه شهری در استان همدان، فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، دوره ۱، ش ۳: ۱۰۳-۱۳۷.
- فلاحی، علی؛ رضایی، فریدون؛ و آقابخشی، حبیب (۱۳۹۵) پیامدهای رویکرد محله‌محوری شهر تهران با نشانگرهای سرمایه اجتماعی، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۰، ش ۳: ۱۵۹-۱۸۶.
- فنی، زهره؛ و صارمی، فرید (۱۳۹۲) رویکرد توسعه‌ی پایدار محله‌ای در کلان شهر تهران مورد محله‌ی بهار منطقه‌ی ۷، دو فصلنامه جغرافیا و توسعه، بهار ۱۳۹۲، ش ۳۰: ۳۵-۵۶.
- مستندات دانشگاه علوم پزشکی اصفهان (۱۳۹۷) تعریف توانمندسازی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشت درمانی، اصفهان.
- مطهری، زینب السادات؛ و رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۵) تبیین مدلی به منظور ارتقاء مدیریت خطر بحران با رویکرد اجتماع محور، نمونه موردی: یکی از اجتماعات محلی تهران، معماری و شهرسازی آرمان شهر، ش ۱۷: ۳۸۹-۴۰۱.
- موسوی، مرضیه؛ و روانخواه، فاطمه (۱۳۹۵) های رفاهی ی انواع نظام واکاوی رابطه با توانمندسازی اقتصادی زنان، مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، سال ۱۴، ش ۱: ۷۳-۱۰۱.

Buckingham, S. (2010) Examining the right to the city from a gender perspective. In A. Sugranyes and C. Mathivet (Eds.), *Cities for All: Proposals and Experiences towards the Right to the City*. Santiago: Habitat International Coalition.

- Cavaliere, I.C. & Almeida, H.N. (2018) Power, Empowerment and Social Participation- the Building of a Conceptual Model, European Journal of Social Science, Education and Research, Vol.5, No.1, pp 174-185.
- Fenster, T. (2005). Gender and the city: The different formations of belonging. Journal of Gender Studies, 14, 217–231.
- Gudao, Ralph (2004) Qualitative Data Analysis Software: MAXqda, Qualitative Research Journal 4(1):66-72.
- Hossain Reza, Manjilura&Ysmin, Nilufar (2019) Empowering Women: Empowering Bangladesh, Open Journal of Women's Studies, Volume 1, Issue 1, 2019, pp 15-23.
- Midema, Stephine&Haardorfer, Regine&Girard, Amy&Yount, Kathryn (2018) Women's empowerment in East Africa, World Development, Volume 110, October 2018, pp 453-464.
- O'Hara, Corey&Clement, Floriane (2018) Power as agency: A critical reflection on the measurement of women's empowerment in the development sector, World Development, 106 (2018) 111–123.
- Sell, Milla&Minot, Nicholas (2018) What factors explain women's empowerment? Decision-making among small-scale farmers in Uganda, Women's Studies International Forum, Volume 71, November–December 2018, 46-55.
- Walter, Eberlei (2007) Accountability in poverty reduction strategies: the role of empowerment and participation, Social development papers; no. 104. Washington, DC: World Bank.
- Wetzels, Martin & Odekerken-Schröder, Gaby&Van Oppen, Claudia A. M. L. (2009) USIN PLS PATH MODELING FOR ASSESSING HIERARCHICAL CONSTRUCT MODELS: GUIDELINES AND EMPIRICAL ILLUSTRATION, MIS Quarterly Vol. 33 No. 1, pp. 177-195.
- UnitedNation(2019)Genderequality online<https://www.un.org/sustainabledevelopment/gender-equality/>
- Zhang, Q.; Kwan Yung, E.H.; Wan Chan, E.H. (2018) Towards Sustainable Neighborhoods: Challenges and Opportunities for Neighborhood Planning in Transitional Urban China, Sustainability 2018, 10, 406; doi:10.3390/su10020406.